

مجله زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال ششم - بهار و تابستان ۱۳۸۷

ساعتی با مولف تذکره خیر البیان و کتاب احیاء الملوک

دکتر عباس ماهیار*

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم

چکیده

این مقاله به معرفی ملک شاه حسین سیستانی و آثار او پرداخته است. ملک شاه حسین سیستانی یکی از شاهزادگان صفاری سیستان است که به گفته‌ی خود او نسبت به عمرو لیث صفاری می‌رسد. او در نیمه دوم سده دهم و نیمه اول قرن یازدهم می‌زیسته است. کتاب تذکره خیر البیان و کتاب احیاء الملوک دو اثر ارزنده به جا مانده از این شاهزاده سیستانی است. تذکره خیرالبیان تذکره‌ای است عمومی در شرح احوال ادیبان و شاعران از قدیم الایام تا زمان مؤلف. و ملک شاه حسین آن را در مقدمه و دو فصل و خاتمه و ختم خاتمه تألیف کرده است. بخش خاتمه آن به سبب احتوای بر شرح احوال معاصران مولف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و کتاب احیاء الملوک برای معرفی بزرگان تاریخ سیستان از قدیم ترین ازمه تا زمان مولف است و در یک مقدمه و سه فصل و خاتمه تألیف شده است و بخش خاتمه آن به سبب حضور مؤلف در جریان حوادث و وقایع از ارزش بیشتری برخوردار است. در خاتمه‌ی مقاله مثنوی‌های مولف و دیوان او معرفی می‌شود.

* Email: info@gamejol.com

تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۱

تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۸

واژگان کلیدی: ملک شاه حسین سیستانی، تذکره خیرالبیان، احیاء الملوک.

مقدمه

ملک شاه حسین فرزند ملک غیاث الدین از شاهزادگان و ادیبان و شاعران و امیران جنگاور سیستان است بنا به گفته ی خود نسبتش با پانزده واسطه به عمرولیث صفاری (مقتول در ۲۸۷ هـ ق) می رسد (ملک شاه حسین سیستانی، ۱۳۸۳: ۲۵) او در سال ۹۷۸ هـ ق به دنیا آمد (همان: ۱۷۸) از نوجوانی راه مدرسه و مکتب در پیش گرفت و کسب دانش های مختلف آغاز کرد ابتدا قرآن و صرف و نحو و منطق سپس فلسفه در حکمت و نجوم آموخت (همان: ۴۵۲) و بنا به نوشته ی خود زبان پهلوی را نیز فرا گرفته بود (همان: ۲۶) پس از کسب علوم و فنون زمان خود به تألیف و تصنیف پرداخت اما از کار امارت و سیاست نیز غافل نبود. هنوز سی سال تمام نداشت که به اردوی شاه عباس اول پیوست و مورد لطف و مرحمت او قرار گرفت و با اقطاع بسیار و تشریف خاص به سیستان بازگشت و چند سالی در منطقه کرّوفری داشت تا در سال ۱۰۱۷ هـ ق عازم حج شد و از طریق بصره و تبریز و شیراز به موطن خود مراجعه کرد. در سال ۱۰۲۷ هـ ق فرمان رسید که شاه عباس مشایق دیدار اوست و ملک شاه حسین، در قزوین به آستان بوسی شاه عباس که از جنگ با روم بازگشته بود، نایل شد.

از سال ۱۰۲۸ به بعد مطلبی که بر حکمروایی و زندگی سیاسی او دلالت کند در آثار او دیده نمی شود و آخرین سخنی که او درباره ی خود گفته است اکمال تذکره ی خیرالبیان است که در سال ۱۰۳۶ هـ ق از آن پرداخته است و در رمضان آن سال کتاب را به پیشگاه شاه عباس اول تقدیم کرده است (همان: ۴۰). این تاریخ نشان می دهد که ملک شاه حسین دست کم در این زمان در مرز شصت سالگی در قید حیات یوده است.

کتاب هایی که ملک شاه حسین نوشته است به ترتیب سال تألیف عبارتند از:

۱- مثنوی مهر و وفا: این مثنوی در بحر هزج اخرب مقبوض مکفوف یا مقصور بر وزن مفعول مفاعله فعلون یا مفاعیل سروده شده است. چنان که خود گفته است پس از یک نبرد

سخت در قلعه ی بست و بازگشت به سیستان در سال ۱۰۱۲ هـ ق به جانب سرحد و مکران رفته و شش ماه در آن خطه به سر برده و در ماه رمضان آن سال در مناطق ییلاقی منطقه، مثنوی مهر و وفا را به نظم آورده است (همان: ۴۷۳).

۲- مثنوی تحفه ی الحرمین: پس از گذشت پنج سال که در آرزوی کعبه به سر می برده است در سال ۱۰۱۷ به قصد حجاز از سیستان حرکت کرده است در این سفر مثنوی تحفه الحرمین را که نظیره ای برای تحفه العراقین خاقانی بوده است به نظم کشیده از این دو مثنوی تنها در تذکره ها و کتاب احیاء الملوک و تذکره ی خیر البیان یاد شده و ابیاتی از تحفه الحرمین نیز در آنها نقل شده است.

۳- احیاء الملوک: ملک شاه حسین برای زنده کردن یاد اجداد خود و هم چنین احیای نام پادشاهان و فرمانروایان سیستان این کتاب را تألیف کرده است. او پس از تمهید مقدمه ای جهت تألیف کتاب از چندین کتاب درباره ی تاریخ سیستان نام برده و افزوده است که همگی آنها از میان رفته است پس برای جایگزین کردن این کتاب به جای کتاب های از بین رفته کمر همت به تألیف آن بسته و کتاب را در یک مقدمه و سه فصل و خاتمه ای تنظیم و تألیف کرده است (همان: ۲) آنچه در مقدمه ی کتاب آمده است اگر از روزنه ی نقد نگریسته شود، به طور اختصار عبارتست از:

الف- بنای سیستان

سخن مؤلف در باب بنای سیستان مبتنی بر اسطوره های میهنی و اسلامی است. انتساب بنای سیستان به گرشاسب و حضور حضرت آدم در آن سامان از این قبیل است و این سخنان مبنای دقیق تاریخی ندارد (همان: ۴).

ب - پاره ای لغزش های قلمی در ذکر تاریخ

برخی مسائل تاریخی در این کتاب نمی تواند واقعیت تاریخی داشته باشد؛ مانند اقامت اسکندر در قلعه ای که اردشیر بابکان بنا کرده است و این اشتباه نیاز به توضیح ندارد (همان: ۱۱) و یا فتح سیستان به دست سعدبن ابی وقاص همراه با حضرت امام حسن علیه السلام اشتباهی غیر قابل انکار است (همان: ۵).

ج - اعلام نظر درباره ی دین و آیین اعتقادی مردم سیستان

آنچه درباره ی اعتقادات و دین مردم سیستان نوشته شده است که ابتدا مردم سیستان از آیین های حضرت آدم و نوح پیروی می کردند سپس آیین مجوس در آنجا ظاهر شده است، با این حال مرزبانان سیستان بر دین حنیف ابراهیمی بوده اند. هر چند این مطلب از منابع دیگری اخذ و اقتباس شده باشد باز بر تعصب مذهبی مؤلف باید متکی باشد.

د - یاد کرد اهل فضل و علم و فقاہت

ملک شاه حسین از میان جماعات کثیر که به فقاہت و علم و حدیث مشهورند از بزرگان زیر نام برده است:

- ۱- عبدا.. بن اشعث
- ۲- عبدالرحمن بن عبدا...
- ۳- [ابو] داود سجستانی
- ۴- حاتم سجستانی
- ۵- خلیل بن احمد سجستانی
- ۶- یحیی بن عمار سجستانی
- ۷- ابو حاتم سهل بن محمد سجستانی
- ۸- یحیی بن عمّار سجستانی

۹- حریرین عبدا... سجستانی

از میان این فقهان و محدثان، ابوداود در حدیث و فقه معروف تر و مشهور تر از دیگران است و کتاب سنن ابی داود یکی از صحاح سته است که از نظر پیروان سنت و جماعت از کتاب های مورد اعتماد در حدیث نبوی است. سمعانی در تألیف خود این امام اهل سنت را ابوداود سلیمان ابن اشعث ابن اسحاق بن بشیر ابن شداد بن عمرو ابن عمران سیستانی صاحب کتاب سنن معرفی کرده است و او را در فقاہت و علم و حفظ و استواری رأی و پرهیزگاری و سلوک دینی یکی از بزرگان و ائمه ی دین شمرده و در گذشت او را در سال ۲۷۵هـ ق در شهر بصره ذکر کرده است (سمعانی، بی تا، ج ۳: ۲۲۵).

و هم او درباره ی خلیل بن احمد سجستانی گفته است: او قاضی ابوسعید خلیل بن احمد بن محمد بن خلیل بن موسی بن عبدالله بن عاصم سجزی است. او مسافرت های بسیاری به اطراف و اکناف جهان داشته و از عراق و خراسان و شام و حجاز دیدار کرده و با ائمه و عالمان دین ملاقات ها داشته است. خلیل ابن احمد را دارای تصانیف و صاحب طبع شعر ذکر کرده و گفته است که وی در شهر های مختلف ماوراء النهر بر مسند قضاوت بوده است و در پایان سال تولد او را ۲۹۱ هـ ق و سال درگذشت او را ۳۷۸ هـ ق ضبط کرده است (همان: ۲۲۴)

ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی نیز مورد توجه سمعانی بوده است و تألیف قراءات قرآن را به او نسبت داده است (همان: ۲۲۶).

سمعانی و یاقوت افزون بر این عالمان از محدثان و فقیهان بسیاری یاد کرده اند که از طرف مؤلف احیاء الملوک در بوته ی اجمال مانده است (همان، ج ۳: ۲۲۶-۲۲۴ و یاقوت حموی، ج ۱: ۲۲۶-۲۲۳) افزون بر این ملک شاه حسین عالمان بزرگ را در طاق فراموشی نهاده است، چه تنها شرح احوال و یادکرد آثار ابوحاتم بستی سیستانی یعنی ابوحاتم محمد بن حبان بن معاذبن سعید بستی سیستانی و پژوهش در احوال و آثار او مقاله ی بلند بالایی می طلبد که در حوصله ی این مقال نمی گنجد (یاقوت حموی، بی تا، ج ۱: ۴۱۵).

ه - یاد کرد اهل عرفان

ملک شاه حسین از یازده تن از متصوفه و اهل یادکرده است که دو تن از آنان شهرت بیشتری دارند که عبارتند از:

- خواجه عبدا... الطاقی (جامی، ۱۳۷۰: ۸۱۹) مشهور به خواجه ی طاق که در دروازه ی هرات مدفون است.

- خواجه ظهیر الملک ابونصر احمد بن محمد سیستانی معاصر سنایی و از بزرگان و وزرای خراسان (ملک شاه حسین سیستانی، ۱۳۸۳: ۷)

جامی در نفحات الانس او را خواجه عبدا... طاقی محمد بن فضل بن محمد طاقی سجستانی هروی و عالم به علوم ظاهر و باطن معرفی کرده است (جامی، ۱۳۷۰: ۳۴۲ و خواجه عبدا... انصاری، ۱۳۶۲: ۵۱۷) و افزوده است که خواجه عبدا... انصاری معتقد بوده است که اگر او را ندیده بود، اعتقادات حنبلیان را به درستی درک نمی کرد و او را در همت، بی نظیر شمرده صاحب کرامات و اشراف بر دل ها توصیف کرده است (همان: ۳۴۳). خواجه ی طاق در سال ۴۱۷ هـ ق در گذشته است.

امام نصر احمد بن محمد سیستانی که ملک شاه حسین او را در شمار سالکان طریقت شمرده است از معاصران سنایی است و سنایی در حدیقه الحقیقه او را مدح گفته است اما در مدیحه ی سنایی نشانه ها و یا نمونه های سلوک او دیده نمی شود. سنایی این خواجه را به خط نیکو و بخشش و دین ورزی ستوده است:

با خطش خط خازن و بوآب	همچو با آب صافی است سراب
عالمی از عطاش آسوده	یافته هر چه دردلش بوده
صرف دُرّ علم یزدانی	دلش اندر ره مسلمانی

(حدیقه الحقیقه: ۶۱۳)

یکی دیگر از متصوفه که ملک شاه حسین از و نام برده است پیر زیاد نگاه است و او بنا به آنچه در تعلیقات احیاء الملوک آمده است در زاهدان جدید در ملک سیاه کوه است و شرح احوال بیشتری از او در دست نیست (ملک شاه حسین سیستانی: ۵۳۳).

نکته ای که شایسته ی یاد آوری است این که ملک شاه حسین از یاد کرد صاحبان کرامات و صوفیان و عالمان علوم ظاهر و باطن که در کتاب هایی مانند طبقات الصوفیه سلمی و طبقات الصوفیه خواجه عبدا... انصاری و حلیه الاولیاء و نفحات الانس و دیگر آثار آمده است غافل بوده است.

و- ذکر شاعران و ادیبان

بخشی از مقدمه نیز به شاعران قدیم سیستان اعم از عربی زبان و فارسی زبان اختصاص یافته است و چون تذکره ی خیر البیان مولف مطالب بیشتری درباره ی آنان مطرح کرده است در این قسمت از بحث درباره ی آنان خودداری شده است.

۴- تذکره ی خیرالبیان

تذکره ی خیر البیان تذکره ای عمومی است مشتمل بر مقدمه و دو فصل و خاتمه و ختم خاتمه است که ملک شاه حسین به ترتیب الفبا در هر قسمت، به شرح زیر تألیف کرده است: مقدمه به تاریخ رسول اکرم (ص) و احوال دوازده امام اختصاص یافته است. فصل اول در شرح احوال شاعران متقدم تألیف یافته است. فصل دوم در احوال شاعران معاصر است.

خاتمه در تراجم شعرای درباری است و ختم خاتمه در ذکر علما. بسیاری از تراجم عصری تذکره ی خیرالبیان به جهت آن که مؤلف با شاعران معاصر حشر و نشری داشته و اشعار آنان را به چشم دیده است و یا شاعران و نویسندگان، آثار خود را شخصاً برای او فرستاده اند و دوست آنها بوده و یا شاعران بر آنان صحه گذاشته اند،

دقیق و قابل اعتماد است. با این حال در پاره ای موارد سهل انگاری های شگفت انگیز در برخی تراجم دیده می شود. مؤلف تاریخ تذکره های فارسی نمونه هایی از این لغزش ها را در کتاب خود ضبط کرده است. با همه ی این لغزش ها مؤلف از نام آوران جامعه بوده و معاصرانش احترام کامل برای او قائل بودند؛ صاحب عرفات العاشقین از او با القاب «فخرالامجاد» و «بقیه الاکابر» و «زبد الزمان» و با صفات «عالی مرتبت» «بلند فطنت» و خوش فهم و دانا و «توانا در جمیع امور» یاد کرده است و هم چنین از ملاقات و هم صحبتی سه ماهه با او سخن گفته و نمونه هایی از اشعار او را ذکر کرده است. (احمد گلچین معانی، ۱۳۴۸، ج ۱: ۶۰۵)

۵- دیوان اشعار

پیش از این از دو مثنوی «مهر و وفا» و «تحفه الحرمین» سخن گفته ایم بر این سروده ها می توان دیوان شعر او را نیز افزود. چه نمونه هایی از شعر او در کتاب احیاء الملوک و تذکره ی خیرالبیان ذکر شده است و مؤلف فرهنگ سخنوران یادآور شده است که ملک شاه حسین با تخلص «هادی» شعر می گفته است (خیام پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۹۳) اما متأسفانه از مثنوی ها و دیوان او نسخه یا نسخه های جداگانه ای در میان فهرست های نسخه های خطی فارسی احمد منزوی و دیگران به چشم نمی خورد. دست کم به نظر نویسنده ی این سطور نرسیده است (گلچین معانی، ۱۳۴۸، ج ۱: ۶۰۵).

نتیجه

شهبازده ای جنگ آور و ادب دوست، ملکی مطیع ملک الملوک، در سرزمین سیستان و در قسمت کوچکی از آن سامان با خدم و حشم و با آیین و رسوم مخصوص آبا و اجدادی زندگی کرده و همواره با همسایگان خود - خویش و بیگانه - که آنان نیز وضعی بهتر از او نداشته اند در حال نزاع و کر و فر گذرانده است. از مطاوی تاریخ احیاء الملوک استنباط می شود که حرکت به هر جانبی حتی برای استراحت فارغ از طمع باج خواهی و یا قلعه گشایی نبوده است.

ملک شاه حسین نزدیک به شانزده سال در حال سفر و کر و فر بوده است و در این مدت نزدیک به هشت هزار فرسنگ را با اسب زیر پا گذاشته است. دلنشین خواهد بود اگر بگوییم با این تفکرات قلعه گشایی و جنگ آزمایی، صاحب طبع و قریحه ی لطیف نیز بوده است و به قول خود هنگام استراحت در بیلاقات سرحد و مکران مثنوی «مهر و وفا» را به نظم آورده است. به نظر نگارنده داشتن قریحه ی شعری، ملک شاه حسین را به آن داشته است که برای زنده کردن نام خود و دیگر سخنوران تذکره ی شاعران تألیف کند و آن را خیرالبیان بنامد. چنان که خود گفته است

خداوندا که این بحر معانی	که بزم قدس را هست ارمغانی
به خوبی و خوشی ترتیب دادم	در این گنجینه بس گوهر نهادم
بسی نام سخنور تازه کردم	وزین خود را بلند آواز کردم
به ذکر نیکی چو نام کس نبردم	از آن خیرالبیان نام کردم
به تاریخی ز اتمامش دل آسود	که از هجرت هزار و شانزده بود

بنابراین تذکره ی خیرالبیان در سال ۱۰۱۶ به اتمام رسیده اما بنا به نوشته ی مؤلف در همان سال به خدمت شاه عباس اول تقدیم نشده است و پس از گذشت هفده سال مؤلف به دو جنگ شعر نفیس که هر یک نزدیک به یکصد و پنجاه هزار بیت شعر داشته دست یافته و در مدت سه سال تذکره را بار دیگر از نظر گذرانده و پس از اكمال آن در سال ۱۰۳۶ به خدمت شاه عباس برده است. و نیز حس تعصب خانوادگی و تفکر احیاء نام پدران او را به تألیف کتاب احیاء الملوک واداشته است.

اما این دو کتاب در ترازوی نقد و محک عیارسنجی چه وزن و عیاری را می توانند احراز کنند. اعتقاد نویسنده ی این مقاله این است که آن قسمت از کتاب احیاء الملوک که مؤلف شاهد و ناظر وقوع حوادث بوده است و یا خود شخصاً در معرکه حضور داشته است و به همین نحو آن بخش از تذکره ی خیرالبیان که متضمن شرح احوال و ضبط اشعار شاعران معاصر است، در ترازوی نقد و با محک عیارسنجی درجه ای خاص از اعتبار را به خود اختصاص می دهند و

باقی مانده ی هر دو کتاب چنان که در صفحات پیش اشارت رفته است قابل تأمل و خرده گیری است.

منابع

- ۱- اصفهانی، حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله (بی تا) حلیه الاولیاء طبقات الاصفیاء. بیروت: لبنان. دارالکتاب العربی.
- ۲- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۲) طبقات الصوفیه. به اهتمام عبدالحی حبیبی قند هاری. تهران: انتشارات فروغی.
- ۳- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۰) نفحات الانس من حضرات القدس. به اهتمام دکتر محمود عابدی. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۴- حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (بی تا). معجم الادبیا. بیروت: لبنان: دارالکتاب عربی.
- ۵- خیام پور (تاهباززاده) (۱۳۷۲) فرهنگ سخنوران. تهران: انتشارات طلایه.
- ۶- سلمی، ابو عبدالرحمن (۱۹۶۹) طبقات الصوفیه. به اهتمام نورالدین شریبه. چاپ دوم. قاهره: مکتبه المیانجی.
- ۷- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (بی تا) الانساب. به اهتمام عبدالله عمرالبارودی. بیروت: دارالجان.
- ۸- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۵۹) حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه. به اهتمام مدرس رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- سیستانی، ملک شاه حسین (۱۳۸۳) احیاء الملوک. به اهتمام منوچهر ستوده. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۰- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۸) تاریخ تذکره های فارسی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.